

عوامل موثر در سوء مدیریت تکنولوژی وسایل ارتباط جمعی در تربیت فرزندان

فاطمه غلامی نژاد^۱، ملیحه سجده^۲

چکیده

در پژوهش حاضر، روش پژوهش برحسب هدف، کاربردی برحسب نوع داده، کیفی و برحسب روش گردآوری داده‌ها و یا ماهیت و روش پژوهش، تحلیل محتوا بود. مشارکت‌کنندگان شامل خبرگان دانشگاهی و سازمانی به تعداد ۲۵ نفر بودند که با استفاده از اصل اشباع نظری و روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود و برای محاسبه پایایی روش بازآزمون و توافق درون‌آزمودنی استفاده شد. در رابطه با سؤالات قابلیت تعمیم و سؤالات کنترل، آماره تی محاسبه‌شده برای هر دو سؤال در سطح ۰/۰۱ معنادار و میانگین مشاهده‌شده در هر یک از این دو سؤال از میانگین مورد انتظار (۳) بالاتر است؛ لذا جزء قابلیت تعمیم و جزء کنترل الگو محسوب می‌شود. در کنترل الگو، آماره تی محاسبه‌شده (۱۲/۸۶) در سطح ۰/۰۱ معنادار است. مقایسه میانگین این جزء از الگو (۳/۷۵) با میانگین مورد انتظار نشان می‌دهد قابل کنترل بودن الگو و همچنین قابلیت تعمیم بودن الگو از نظر متخصصان دارای اعتبار است و با اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته است. در مورد اعتبار درونی از تحلیل عاملی تأیید مدل اندازه‌گیری نیز برای سنجش اعتبار مدل با نرم افزار PLS-V3 Smart استفاده شد. آسیب‌ها متأثر از فناوری‌های نوین ارتباطی در فرآیند تربیتی فرزندان در ابعاد مختلف مشهود است و در بعد روانشناختی، مشکلات به سه حوزه اصلی سلامت روانی، سلامت فردی و سلامت عاطفی تقسیم می‌شوند.

واژگان کلیدی: تربیت، سبک‌های فرزندپروری، فناوری نوین ارتباطی، مهارت‌های اجتماعی، نقش تربیتی مادران.

۱. دانشجوی دکتری مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم (نویسنده مسئول)، gholamifatemeh150@gmail.com

۲. مشاور مرکز مشاوران قوه قضائیه، دکتری مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، malihe.sojdehie@gmail.com

مقدمه

فناوری‌های ارتباطی، ازجمله تلفن همراه، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و دستگاه‌های الکترونیکی، تأثیر چشمگیری بر نقش تربیتی مادران داشته است. این فناوری‌ها می‌توانند به شکل‌دهی روابط خانوادگی و روندهای تربیتی مادران تأثیرگذار باشند. برخی از تأثیرات این فناوری‌ها شامل کاهش زمان مشترک خانوادگی، کاهش تعاملات روبه‌رو، افزایش وابستگی به دستگاه‌های الکترونیکی و کاهش نظارت مستقیم بر کودکان می‌شود. این موارد ممکن است باعث کاهش کیفیت تربیت و روابط خانوادگی گردد؛ ازاین‌رو مهم است که مادران بر روی استفاده متعادل از فناوری‌های ارتباطی تمرکز کرده و راهکارهای مناسب برای حفظ تعاملات خانوادگی و تربیت کودکان را اتخاذ کنند.

اگرچه حضور تکنولوژی‌های جدید اطلاعات و ارتباطات باعث شده تا فردیت و فردگرایی رشد کرده و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی دچار تغییر و تحول شوند و افراد الگوها و گروه‌های مرجع خود را خارج از راه جهت تقویت ICT آنچه والدینشان انتخاب می‌کردند، بجویند اما میتوان ترتیبی اندیشید تا فاصله نسلی متأثر از و غنای ارتباط و تعامل بین اعضای خانواده کاهش داد . بنابراین اگر خانواده در مقابل یک پدیده‌ی نو مقاومت نشان ندهد و در مقابل با آن آشنایی داشته باشد می‌تواند زمینه گفتگو و تعامل را بافرزندان خود دراین زمینه باز کند و به مدد فرهنگ سازی و آموزش که از طریق جامعه پذیری مجدد صورت میگیرد ضمن آگاه سازی درباره ارتباط کارآمد و سلامت در محیط واقعی و مجازی ، به فرزندان آسیب های ناشی از فضای مجازی را کاهش دهند، تا کشیده شود و ضمن کنترل شرایط و موقعیت خود می آموزد ICT نسل نو با آگاهی و عقلانیت به سمت که با بهره گیری بهینه از این فناوری دیگر نباید هویت خود را دستخوش ایماژها و نمادها کند و از عوارض بحران های بعدی چون حرمان، اضطراب و سردرگمی رهایی می یابد . آنچه بدیهی است واقعیت و تحقق فضای مجازی در زندگی جوانان است که به صورت نیازی نوین در جوامع امروزی از آن یاد می شود ضرورتی که از مرزهای جغرافیایی عبور کرده و افراد را در اقصی نقاط دنیا به یکدیگر پیوند می دهد و ضمن افزایش آگاهی ، امکان آموزش پذیری ، افزایش فرصت اقتصادی و اجتماعی به تقویت ارتباطات نیز می تواند منجر شود ، امری که خود در وهله اول نیازمند باورپذیری ، شناخت ، آگاهی بخشی و آموزش است . چرا که غفلت از بستر سازی مناسب در بهره گیری از مزیت های فضای جدید می تواند منجر به رشد آسیب های احتمالی آن ناشی از عدم شناخت و آگاهی شود (فتحی و مطلق، ۱۳۹۰: ۱۷۷).

بررسی دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف درباره فرزندپروری

دیدگاه جرج ۱ (۲۰۰۴)

وی سبک فرزندپروری مقتدر را دارای سه بعد یا مولفه ارتباطی (حمایتگر، پذیرا)، منظم (مهار و خودمختاری) (مشارکت آزادانه) می‌داند. سبک والدین مستبد را نیز دارای سه مولفه اجبار فیزیکی، خصومت کلامی تنبیهی و غیر توضیحی و همچنین سبک فرزندپروری سهل گیر را دارای یک مولفه بی توجهی می‌داند ویژگی ارتباطی حمایتی و پذیرا (که حمایت هیجانی، ارتباط دو سویه، محیطی منعطف، همراه با پاسخدهی والدین را شامل می‌شود).

ویژگی (نظم) مهار در سبک اقتدار منش، پاسخ دهی منطقی برای انجام امور، فراهم سازی محیطی برای مشخص شدن نتایج رفتار در فرزندان می باشد و ویژگی خودمختاری، فراهم نمودن محیطی مثبت برای بیان احساس ها و عقاید فرزندان بوده و استفاده از نظرات آنان در ایجاد قواعد خانوادگی است (خویی‌نژاد، رجایی و محبراد، ۱۳۸۶: ۸۸). بعد اجبار فیزیکی به معنای به کارگیری فراوان تنبیه های نامشخص و خشن، همراه با مهار زیاد و پذیرندگی پایین برای فرزندان است. بعد خصومت کلامی با به کارگیری انتقادهای مخرب برای ایجاد نظم در فرزندان مشخص میشود و بعد غیرتنبیهی توضیحی-تنبیهی با به کارگیری تنبیه ها و تحقیر کردن فرزندان با ارائه توضیحی اندک و یا بدون آن میباشد (تامپسون، ۲۰۰۲) و در نهایت ویژگی بی توجهی که ارائه خواسته های اندک همراه با محدودیت های بسیار کم از فرزندان را شامل می شود (خویی‌نژاد، رجایی و محبراد، ۱۳۸۶: ۸۲).

دیدگاه رفتارگرایی

رفتارگرایان کودک، علاقه مند بودند به اینکه چگونه الگوهای تقویت در محیطی که کودک در تماس با آن است منجر به تحول میشود. نظریه پردازان فرویدی در مقابل بحث میکردند که تعیینکنندههای اساسی تحول، زیستی هستند و به صورت اجتناب ناپذیری با آرزوهای والدین و خواستههای اجتماعی در تعارض میباشد. در این نظریه فرض می شود که تعامل بین نیازهای بدوی کودک و محیط خانوادگی، تعیین کننده تفاوت‌های فردی در تحول کودک است. (دارلینگ و استنبرگ، ۱۹۹۳).

1 George

2 Thompson

3 Darling & Steinberg

کلندر در پژوهش خود به این نتیجه رسید که در بین اعضای خانواده، مادر در جایگاهی است که می تواند به گونه ای رفتار کند که نتیجه آن هدایت رفتار فرزند باشد و اصلاح رفتاری والدین ازجمله مادر، پیشنیازی بر اصلاح رفتار فرزند است. در واقع ارتقای توانایی و مهارت های مادران آنها را در امر تعلیم و تربیت فرزندان و میل و رغبت آنها را در جهت جستجو برای یافتن مناسب ترین روش های پرورش فرزندان افزایش می دهد (کالندر، ۲۰۱۸).

دیدگاه سیستمی

نظریه پردازان سیستمی خانواده را یک سیستم در نظر می گیرند، سیستمی که در آن اعضا بر هم تأثیر گذاشته و از یکدیگر تأثیر می پذیرند؛ تعاملات، الگوهایی را به وجود می آورند، مبنی بر این که چه طور، چه وقت و با چه کسی ارتباط برقرار شود، عملکرد خانواده از طریق الگوهای مراوده ای صورت می گیرد. به طور کلی خانواده و سبک های فرزند پروری والدین به عنوان یک منبع مهم و اساسی بر تحول خودپنداشت کودک در نظر گرفته می شود. از این رو، به نقش والدین در تحول خودپنداشت کودک اهمیت فراوانی داده می شود (خویی نژاد، رجایی و محبراد، ۱۳۸۶: ۸۳).

دیدگاه مک کویی و مارتین

مک کویی و مارتین^۲ مطالعات بامریند را با افزودن پذیرش والدینی به عنوان بعد دوم توسعه بخشیدند و با استفاده از دو بعد مهار) سخت گیری (و پذیرش، سبک شناسی چهارگانه ای برای سبک های فرزندپروری شکل داده اند (سیفی گندمانی، کلانتری میبیدی و فتح، ۱۳۸۸). این دیدگاه در جدول زیر ارائه شده است.

مهار بالا مهار پایین

پذیرش بالا مقتدر سهل گیر

پذیرش پایین مستبد بی اعتنا

تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر مخاطبان

1 Callender

2 Maccoby & Martin

تأثیرات رسانه های جمعی بر مخاطبان، همواره توجه اندیشمندان ارتباطات اجتماعی، جامعه شناسان، سیاستمداران و ... را به خود جذب کرده است و در این مورد نظریات مختلفی طی دوران پیدایش و استفاده از این وسائل از طرف اندیشمندان این حوزه ارائه شده است.

شکاف دیجیتالی بین دو نسل

پیامدهای تربیتی و اخلاقی شکاف دیجیتالی بین نسلی سبب ایجاد فاصله بین افرادی می شود که هم به ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات دسترسی دارند و هم مهارت استفاده از آن را دارند. با افرادی که به آن دسترسی ندارند یا مهارت استفاده از آن را ندارند. بسیاری از والدین و به خصوص مادران که نقش اول تربیتی فرزندان در خانواده را به عهده دارند از سواد رسانه ای و طریقه برخورد با فرزندان نا آگاه هستند و همین امر به نوعی موجب فاصله بین نسلی شده است (رحمتی، ۱۳۹۲: ۱۵۶). در جامعه ای همچون ایران که مراحل گذار از سنتی به مدرن را طی می کند و با جمعیت زیادی از جوانان و نوجوانان روبروست و با جهانی شدن و پرتاب امواج فرستنده های مختلف و ظهور اینترنت که پدیده ای نوظهور است. نسل جوان کلکسیونی از "جدید بودن ها" را تجربه می کنند که والدین آنها حافظه ی مشترک نسبت به آن ندارند و این سرآغاز مساله است. رسانه های جمعی و اینترنت بیشترین اوقات بیشترین تاثیر را از این جریان ICT فراغت افراد را به خود اختصاص داده است. جوانان به عنوان مصرف کنندگان می پذیرند. پایین -آمدن مدت زمان گفتگو در بین افراد خانواده، فردیت گرایی و کاهش تعامل و سلیقه مشترک در بین جوانان و بزرگتران آن ها موجب شده تا فاصله نسلی بیش از پیش نمایان شود و با تغییر ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی شرایط جدیدی بوجود می آید که فاصله نسلی را در جهانی شدن فرهنگ و تکنولوژی بیشتر آشکار می کند (فتحی و مطلق، ۱۳۹۰: ۱۴۶). البته نباید از تأثیر مدرنیسم بر این معضل غافل شویم. تا قبل از آغاز مدرنیسم، خانواده بدون دغدغه کارکردهای خود را مدنظر داشت و اعضای خانواده برای رسیدن به اهداف جمعی و فردی، تلاش نموده و کمتر درگیر مسائلی می شدند که امروز در خانواده ها وجود دارد، اما پس از پیدایش و تأثیر مدرنیته، خانواده نیز از زمان قاجار به بعد در برخی موارد با تأثیرات مدرنیته هم سو و هم ساز شد و حضور ارزش ها در خانواده تا حدودی رنگ باخت. شیوه های نوین همسرگزینی، نظیر ازدواج های اینترنتی و ...، تغییر الگوی روابط خویشاوندی، سست شدن رابطه والدین و فرزندان با یکدیگر و نیز با سایر خویشاوندان، افزایش اختلافات خانوادگی و ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی در خانواده و جامعه، افزایش طلاق و ... رواج یافت که خود، نتیجه دوری از آموزه های اصیل اسلامی و از آسیب های حضور مدرنیته

و فرهنگ غربی در خانواده ایرانی است. عوامل مختلفی سبب ظهور مدرنیسم شد از جمله تحولات فرهنگی ناشی از تلاقی غرب با اندیشه های فرهنگ اسلامی، رنسانس، جنبش اصلاح دینی، جنبش عصر روشنگری و انقلاب صنعتی. مدرنیته با تأکید بر اومانیسم^۱ با انکار نقش ساحت غیبی در هدایت و راهبری انسان و اصالت بخشیدن به وجه ناسوتی وجود آدمی، بدلیل تقلیل ساحت وجودی او به نفسانیت مداری و حیوانیت، وی را به موجودی مملوک، تنها؛ از خودبیگانه، مضطرب، ستیزه جو و بی ریشه بدل ساخته است و این ویژگی اصلی و مهم ترین شاخص مدرنیته است که با رنسانس ظهور کرده و در تمام تاریخ مدرنیته، در اشکال و صور مختلف تداوم و بسط یافته و به ترویج فرد گرایی و برتری وی بر جامعه پرداخته که خود منجر به خنثی شدن واقعیت های جهان از بار ارزشی خود، نسبی شدن و فردی شدن و خودبنیاد شدن ارزش ها، بی طرفی و تکثر گرایی، شیوع ابتذال و انحطاط در روابط بین افراد بشر شده است. این تحولات به شدت فضای پیرامون ایران را متحول ساخت و به تدریج از زمان قاجار به بعد که گفتمان های جدید به داخل ایران سرایت کرد، استعمار عیب های ایران و ایرانی را بزرگ کرد تا آن ها را ضعیف و حقیر معرفی نماید و از این طریق، بتواند بر ایران تسلط یابد بر این اساس، ورود مدرنیته به ایران نه تنها جامعه ایرانی را به لحاظ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دچار تغییر و تحول نمود؛ بلکه خانواده های ایرانی را نیز، هم به لحاظ ساختار و هم روابط و نوع نگرش ها، تا حدودی متحول نمود. بتدریج با احیای تفکر سکولاریستی و ایجاد ارتباط های بین المللی و پدیده جهانی شدن و دسترسی به انواع ابزارهای رسانه ای و تبلیغاتی و از سویی، اراده نظام سلطه جهانی مبنی بر عالم گیر ساختن فرهنگ منحنط غربی از طریق پخش و ترویج برخی برنامه های مخرب رسانه ای، و نیز گسترش ابزار ارتباطی نظیر ماهواره با برنامه های گمراه کننده، باعث شد پدیده مدرنیته در نیمه سال ۱۳۷۰ رخ نماید و خانواده های ایرانی از آسیب های این فرهنگ در امان نمانند که امروزه شاهد بسیاری از تغییرها در خانواده هستیم که سبب کاهش روابط عاطفی در خانواده و افزایش طلاق و افزایش استفاده از رسانه ها و ورود فضای مجازی به خانواده و افزایش سن ازدواج و تاثیر آن بر کاهش زاد و ولد و تغییر در شیوه همسرگزینی و آداب و رسوم ازدواج شده است (جوکار: ۱۳۹۱).

روش تجزیه و تحلیل داده ها

2020 بود Maxqda، روش تحلیل داده‌ها در بخش کدگذاری نظری برگرفته از روش تحلیل مضمون با نرم افزار کدگذاری نظری عبارت است از عملیاتی که طی آن داده‌ها تجزیه، مفهومی‌سازی و به شکل تازهای در کنار یکدیگر قرار داده میشوند و فرایند اصلی است که طی آن نظریه بر اساس داده‌ها تدوین میشود. در این روش سه رکن اصلی " مفاهیم " "مقوله ها " و قضیه ها " وجود دارند. در این شیوه نظریه بر اساس " داده‌های خام " شکل میگیرند (سرمد، بازرگان هرندی و حجازی، ۱۳۸۳).

نمونه‌گیری (حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی از نوع هدفمند ۱ برای انتخاب مصاحبه شونده‌ها و بر اساس ملاکهای ورود در پژوهش (که در بخش جامعه مورد مطالعه اشاره شد) استفاده شد. در این روش پایه انتخاب موارد نمونه توسط پژوهشگر با توجه به هدفهای مطالعه و ماهیت تحقیق استوار است. لازم به ذکر است در این پژوهش ۲۵ مصاحبه شونده با توجه به اصل اشباع در نظر گرفته شد، یعنی مصاحبه شونده‌های شماره ۱۷ و ۱۸ به بعد، کد جدیدی به مصاحبه‌ها اضافه نکردند و مصاحبه متوقف شد.

ابزار گردآوری داده

در این پژوهش از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته استفاده شد. در مصاحبه‌های انفرادی با مصاحبه شونده‌گان، برای بررسی مقدماتی 4 سؤال مصاحبه استفاده شد که این سؤالاها برگرفته از موضوع، الگو و اهداف پژوهش بود. علاوه بر این سؤال‌ها، پژوهشگر سؤال‌های فرعی دیگری نیز در کنار هر سؤال برای درک تجارب شرکت کنندگان در حین مصاحبه مطرح کرد. پرسشنامه محقق ساخته برگرفته از اجزای الگو

این بخش شامل یک پرسشنامه بسته پاسخ برگرفته از الگو ارائه شده در بخش کیفی بود که به منظور سنجش نظر خبرگان در رابطه با اعتبار الگو (روایی بیرونی) طراحی شد. برای ارزیابی الگو طراحی شده چهار معیار اصلی در نظر گرفته شد:

- ۱- تطبیق؛ ۲- قابلیت فهم؛ ۳- قابلیت تعمیم؛ ۴- کنترل. همچنین کرسول (2005) در خصوص روال پدید آوردن پروتوکول نیز سؤالاتی را مطرح کرده و بیان داشته همانقدر که الگو مهم است، روال تهیه آن نیز می بایست از یک نظم خاصی پیروی کرده باشد. برای تعیین صحت یافته

های کیفی از چندین راهبرد استفاده می شود مثل همسو سازی، بررسی توسط اعضا، توصیف انبوه و غنی و ... که در این تحقیق برای تعیین صحت یافته ها از راهبرد، "بررسی توسط اعضا" استفاده شد (کرسول، ۲۰۰۵). الگوی نهایی طراحی شده به ۲۵ نفر از خبرگان آشنا به این حوزه برگردانده شد و پرسشنامه‌های در ابعاد مختلف با شش سوال در مقیاس لیکرت طراحی گردید و از شرکت کنندگان خواسته شد درستی نتایج را مورد بررسی قرار دهند. در ادامه سؤال های مصاحبه نیمه ساختار یافته در راستای پاسخ به سؤال پژوهش آورده می شود:

تبیین سوال اول

آسیب ها و مولفه های متاثر از فناوری های نوین ارتباطی در فرآیند تربیتی فرزندان کدام است؟ یافته ها نشان داد که آسیب ها و مولفه های متاثر از فناوری های نوین ارتباطی در فرآیند تربیتی فرزندان شامل ابعاد روانشناختی، اجتماعی و فردی است که در بعد روانشناختی مولفه های سلامت روانی، فردی و عاطفی شناسایی شدند. در بعد اجتماعی مولفه های ارزشمندی، هویت طلبی و تعامل گرایی و در بعد فردی؛ مولفه های حریم شخصی، مشکلات رفتاری و تفکر شناسایی شدند. در ادامه به تبیین هریک از این آسیب ها و مولفه های متاثر از فناوری های نوین ارتباطی در فرآیند تربیتی فرزندان پرداخته می شود.

مطالعات نشان دادند که اعتیاد به فناوری های نوین ارتباطی، به ویژه تلفن های همراه و شبکه های اجتماعی، می تواند به مشکلات روانی از جمله اختلالات خواب، اضطراب، و کاهش تمرکز منجر شود (بیلیوکاس ۳ و همکاران، ۲۰۱۵).

حسینی (۱۳۹۷) این اعتیاد، به خصوص در نوجوانان، می تواند رشد روانی آنها را تحت تأثیر قرار داده و منجر به کاهش عملکرد تحصیلی و اجتماعی گردد. بنابراین، مدیریت استفاده از این فناوری ها در فرآیند تربیتی بسیار حیاتی است. این تأثیرات شامل کاهش توانایی تفکر انتقادی، کاهش مهارت های اجتماعی و افزایش گرایش به رفتارهای ضداجتماعی است.

سلامت روانی کودکان و نوجوانان به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه های بعد روانشناختی تحت تأثیر فناوری های نوین ارتباطی قرار دارد. این امر به دلیل ارائه محتوای نامناسب برای سن فرزندان، افزایش پرخاشگری ناشی از بازیهای فناورانه، و افزایش مشکلات رفتاری در فرزندان می

1 Member checking

2 Creswell

3 Billieux

باشد. پژوهشهای متعددی این موضوع را بررسی کرده اند. یکی از پیامدهای منفی دیگر فناوری های نوین، افزایش پرخاشگری در کودکان است. بازی های ویدیویی خشونت آمیز، که در بسیاری از موارد برای کودکان و نوجوانان جذاب هستند، می توانند به پرخاشگری و خشونت رفتاری منجر شوند. پژوهش های خارجی نیز این نتیجه را تأیید می کنند.

سلامت روانی کودکان و نوجوانان به شدت تحت تأثیر محتوای نامناسب، بازی های خشونت آمیز، و تعاملات نادرست با فناوری های نوین قرار دارد. این عوامل می توانند به افزایش پرخاشگری و مشکلات رفتاری در کودکان منجر شوند و مسیر تربیتی آنان را با مشکلات جدی روبه رو کنند. برای مدیریت این چالش ها، والدین و مربیان باید نقش فعالی در نظارت بر نوع و میزان استفاده کودکان از فناوری های نوین ایفا کنند. این امر نیازمند آگاهی و آموزش مستمر درباره خطرات و مزایای این فناوری ها است تا بتوانند به شکلی صحیح و مؤثر در فرآیند تربیتی کودکان و نوجوانان مداخله کنند.

سلامت روانی کودکان و نوجوانان به شدت تحت تأثیر محتوای دیجیتالی است که از طریق فناوریهای نوین ارتباطی به آنها ارائه میشود. محتوای دیجیتالی نامناسب برای سن کودکان و نوجوانان میتواند اثرات منفی عمیقی بر سلامت روانی آنها داشته باشد. این نوع محتوا شامل ویدئوهای خشونت آمیز، بازی های رایانه ای با مضامین پرخاشگرانه و شبکه های اجتماعی است که می تواند به تقویت رفتارهای ناهنجار منجر شود. تحقیقات نشان داده اند که تماشای مکرر صحنه های خشونت آمیز ممکن است حساسیت کودکان نسبت به خشونت را کاهش دهد و میل به رفتارهای پرخاشگرانه را افزایش دهد. این تأثیرات منفی می توانند به مرور زمان به شکل گیری رفتارهای ناپایدار و بروز مشکلات رفتاری در کودکان منجر شوند. علاوه بر این، بازی های رایانه ای که بر اساس رقابت و خشونت طراحی شده اند، می توانند به افزایش پرخاشگری و مشکلات رفتاری در کودکان کمک کنند. این بازی ها ممکن است کودکان را به انجام رفتارهای پرخاشگرانه ترغیب کنند و در نتیجه، تمایل آنها به چنین رفتارهایی در دنیای واقعی افزایش یابد. این وضعیت نه تنها سلامت روانی کودکان را تحت تأثیر قرار میدهد، بلکه می تواند روابط اجتماعی آنها را نیز مختل کند. بنابراین، نظارت دقیق والدین و مربیان بر محتوای مصرفی کودکان و هدایت آنها به سوی محتوای مناسب و سازنده، از اهمیت ویژه ای برخوردار است تا از آسیب های روانشناختی ناشی از فناوری های نوین جلوگیری شود.

سلامت فردی یکی از مؤلفه های مهم بعد روانشناختی است که تحت تأثیر فناوری های نوین ارتباطی قرار دارد و شامل عواملی همچون تقویت درونگرایی در فرزندان به جای کار تیمی، عدم توجه به مشارکت محوری، و افزایش غرور در فرزندان است. این عوامل می توانند تأثیرات منفی بر سلامت روانی و اجتماعی کودکان و نوجوانان داشته باشند و فرآیند تربیتی آنها را با چالش های جدی مواجه کنند.

تقویت درونگرایی به جای کار تیمی یکی از آسیب های جدی استفاده نادرست از فناوری های نوین است. بسیاری از فعالیت های دیجیتالی و بازی های ویدیویی به گونه ای طراحی شده اند که افراد به تنهایی و بدون نیاز به همکاری با دیگران به آن ها مشغول می شوند. این مسئله می تواند به کاهش توانایی های اجتماعی و همکاری تیمی در کودکان منجر شود.

سلامت فردی فرزندان به طور قابل توجهی تحت تأثیر فناوری های نوین ارتباطی قرار می گیرد، به ویژه با تغییرات در نحوه تعاملات اجتماعی آنها. یکی از شاخص های اصلی این تغییرات، تقویت درونگرایی به جای ترویج کار تیمی است. فناوری های دیجیتال، به ویژه بازی های آنلاین و شبکه های اجتماعی، بیشتر به فعالیت های فردی و انفرادی توجه دارند، که منجر به کاهش فرصت های فرزندان برای یادگیری و تعامل در محیط های گروهی و اجتماعی می شود.

فناوری های نوین ارتباطی می توانند به عدم توجه به نحوه نگرش به زندگی و شناخت حدود مرزها دامن بزنند. با افزایش دسترسی به محتوای متنوع و پرتحرک، فرزندان ممکن است دچار سردرگمی در خصوص مرزهای اخلاقی و اجتماعی شوند. در بعد فردی، فناوری های نوین ارتباطی تأثیرات معناداری بر فرآیند تربیت فرزندان دارند. حریم شخصی در این زمینه با آسیب هایی نظیر فضای آزادی مطلق بدون نظارت والدین و عادی سازی روابط شخصی مواجه است. این مسائل می توانند به کاهش سلامت روانی و اجتماعی فرزندان منجر شوند.

تبیین سؤال دوم

عوامل زمینه ساز و موثر در ایجاد آسیب های نقش تربیتی مادران، در دوران متأثر از فناوری های نوین ارتباطی کدام است؟

یافته ها نشان دادند که عوامل زمینه ساز و موثر در ایجاد آسیب های نقش تربیتی مادران، در دوران متأثر از فناوری های نوین ارتباطی شامل ابعاد سبک تربیتی، فناوری اطلاعات و فرهنگی است. لازم به ذکر است که بعد سبک تربیتی شامل مولفه های سبک اخلاقی، مهار رفتاری و پاسخ

دهی؛ بعد فناوری اطلاعات شامل مولفه های اطلاعات محوری، آموزش الکترونیکی، شبکه های اجتماعی؛ بعد فرهنگی شامل هویت فرهنگی و ناتوی فرهنگی است.

عوامل مؤثر در ایجاد آسیب های نقش تربیتی مادران در عصر فناوری های نوین ارتباطی شامل سبک تربیتی، فناوری اطلاعات و عوامل فرهنگی است (نادری پاریزی، ۱۳۹۹). سبک تربیتی شامل مولفه های پاسخ دهی مانند تلاش برای رشد ابراز وجود، ایجاد استقلال و توجه به نیازهای فرزندان است. فناوری اطلاعات به مولفه های شبکه های اجتماعی، آموزش الکترونیکی و اطلاعات محوری تقسیم می شود. این فناوری ها می توانند باعث چالش هایی در جامعه پذیری، سیالیت هویت و عادی سازی دسترسی به اطلاعات شوند (انصاری و خان، ۲۰۲۰). عوامل فرهنگی شامل ناتوی فرهنگی و هویت فرهنگی است؛ انتشار فرهنگ ضدّ دین و ارزش های مدرن می تواند به تغییر در ارزش های تربیتی و هویت فرهنگی مادران منجر شود (جعفریان یسار، خدایاری و حسن زاده، ۱۳۹۵).

با توجه موارد ذکر شده، در سبک تربیتی، مولفه های پاسخ دهی نظیر تلاش برای رشد ابراز وجود، ایجاد استقلال در فرزندان و توجه به نیازهای آنان، نقش مهمی ایفا می کنند. این مولفه ها به شکل گیری شخصیت و رفتارهای تربیتی کمک کرده و در صورت نادیده گرفته شدن یا عدم توجه مناسب، می توانند به آسیب های جدی در فرآیند تربیت منجر شوند. همچنین لازم به ذکر است که فناوری ها می توانند چالش هایی نظیر اختلال در جامعه پذیری، نوسانات هویتی و عادی سازی دسترسی به اطلاعات نادرست را ایجاد کنند. این مشکلات ممکن است تأثیرات منفی بر تربیت فرزندان بگذارند و فرآیند تربیت را با دشواری مواجه کنند.

عوامل فرهنگی، که شامل ناتوی فرهنگی و هویت فرهنگی است، نیز نقش مهمی در شکل گیری آسیب ها ایفا می کنند. انتشار فرهنگ ضدّ دین و ارزش های مدرن از طریق رسانه ها و فضای دیجیتال می تواند به تغییرات عمده در ارزش های تربیتی و هویت فرهنگی مادران منجر شود. این تغییرات فرهنگی می تواند تأثیرات عمیقی بر تربیت فرزندان داشته و اصول تربیتی را به چالش بکشد.

در این راستا، مککله لند و مک کینی (2016) در پژوهشی نشان دادند که استفاده زیاد از فناوری های ارتباطی می تواند منجر به کاهش کیفیت پاسخ دهی و ایجاد آسیب های تربیتی در کودکان شود. تامپسون (2002) در پژوهشی نشان داد که کاهش پاسخ دهی و تعاملات مستقیم با کودکان به دلیل استفاده زیاد از فناوری ها می تواند منجر به آسیب های روانی و رفتاری در

کودکان و اختلال در نقش تربیتی مادران شود. چلندر (2018) در پژوهشی نشان داد که استفاده مفرط از شبکه های اجتماعی می تواند باعث کاهش پاسخ دهی والدین به نیازهای عاطفی و روانی کودکان و در نتیجه، افزایش احتمال بروز آسیب های تربیتی شود.

در نهایت می توان گفت یافته های این پژوهش با یافته های شکوهی یکتا و همکاران (۱۳۹۰)، رحمتی (۱۳۹۲)، برجی نژاد (۱۳۸۹)، نادری و همکاران (۱۳۹۹)، انصاری و خان (۲۰۲۰) و چو و لی (۲۰۱۷) همخوانی دارد.

تبیین سؤال سوم

عوامل تقویت کننده آسیب های نقش تربیتی مادران، در دوران متأثر از فناوری های نوین ارتباطی کدام است؟

نتایج نشان دادند که عوامل تقویت کننده آسیب های نقش تربیتی مادران، در دوران متأثر از فناوری های نوین ارتباطی شامل ابعاد شناخت، فرآیند اجتماعی و فراشناخت است. لازم به ذکر است که بعد شناخت، دارای مولفه های دانش، نگرش، مهارت؛ بعد فرآیند اجتماعی شامل اشتغال مادران، قوانین، آسیب های وارده به مادران؛ بعد فراشناخت، شامل مولفه های بهداشت روانی و آگاهی است از آنجا که شناخت یکی از عوامل تقویت کننده آسیب های نقش تربیتی مادران شامل دانش و مهارت در زمینه تربیت است لذا باید متناسب با نیازهای فرزندان به روز شود. فرآیند اجتماعی شامل آسیب هایی نظیر طلاق و عدم اعتماد به خانواده است. فراشناخت به آگاهی و بهداشت روانی مادران اشاره دارد که برای مقابله با آسیب ها ضروری است (گوستافسون و پاپاژورجی، 2021؛ بینز، 2018).

برای مقابله با آسیب های ناشی از فناوری های نوین ارتباطی، سه بعد اصلی مورد توجه است: روش آموزشی، آموزش و روش تربیتی. در روش آموزشی، تدوین قوانین برای استفاده از ابزارهای فناورانه و ارتقای یادگیری والدین از اهمیت ویژه ای برخوردار است (عباسی و نوروزی، ۱۳۹۷). در آموزش، نظارت بر محتوای آموزشی و استفاده از ابزارهای آموزشی مناسب و تایید شده باید مد نظر قرار گیرد. در روش تربیتی، انعطاف پذیری، رهبری و تربیت روانشناختی باید در فرآیند تربیت فرزندان گنجانده شود تا از آسیب های فناوری های نوین کاسته شود. در نهایت چنین می توان اظهار کرد که فناوری های نوین ارتباطی تأثیرات پیچیده ای بر فرآیند تربیت فرزندان دارند و نیازمند رویکردهای جامع و علمی برای مدیریت آسیبهای آنها هستند (صابری و فیضی، ۱۳۹۸).

در این راستا، بامریند (1991) در پژوهشی نشان داد که فناوری های نوین میتوانند باعث تغییر در نحوه پردازش اطلاعات و تصمیم گیری والدین شوند و این تغییرات می توانند به آسیب های نقش تربیتی مادران منجر شوند. باقری و کیانی (۱۹۹۳) در پژوهشی نشان دادند که استفاده بیش از حد از فناوری ها می تواند باعث کاهش خودآگاهی والدین و افزایش آسیب های تربیتی در کودکان شود. رادسکی و کریستاکیس (2016) در پژوهشی نشان دادند که افزایش استفاده از فناوری های دیجیتال می تواند به کاهش کیفیت تعاملات اجتماعی و شناختی بین والدین و کودکان منجر شود. همچنین لوریسلا و همکاران (2015) با این نتیجه رسیدند که فناوری های نوین می توانند به تغییر در نحوه پردازش اطلاعات و تعاملات والدین با کودکان منجر شوند و این تغییرات میتوانند باعث ایجاد آسیب های تربیتی شوند.

شایان توجه است که بعد شناخت شامل دانش و مهارت های لازم برای تربیت مناسب فرزندان است که باید به طور مداوم به روز و متناسب با نیازهای آنها تغییر کند. نداشتن دانش کافی یا مهارت های لازم در زمینه تربیت می تواند به آسیب های جدی منجر شود و فرایند تربیت را با مشکلاتی مواجه کند. بعد فرآیند اجتماعی به مسائلی مانند طلاق و عدم اعتماد به خانواده اشاره دارد که می تواند به آسیب های روانی و اجتماعی در تربیت فرزندان منجر شود. این مشکلات اجتماعی بر محیط خانواده تأثیرگذار است و می تواند زمینه ساز آسیب های تربیتی باشد. بعد فراشناخت نیز به آگاهی و بهداشت روانی مادران مربوط می شود که برای مقابله با آسیب های فناوری های نوین ضروری است. فقدان آگاهی یا مشکلات روانی می تواند توانایی مادران در مدیریت تربیت فرزندان را کاهش دهد و به افزایش آسیب ها منجر شود. در نهایت می توان گفت یافته های این پژوهش با یافته های مصباح یزدی (۱۳۹۲)، جعفریان (۱۳۹۵)، بینز (2018)، گوستافسون و پاپاژورجی (2021) و تارکل (2017) همخوانی دارد.

تبیین سؤال چهارم

روش های مواجهه با آسیب های متاثر از فناوری های نوین ارتباطی در فرآیند تربیتی فرزندان کدام است؟

نتایج نشان دادند که روش های مواجهه با آسیب های متاثر از فناوری های نوین ارتباطی در فرآیند تربیتی فرزندان شامل روش های آموزشی، بعد آموزش و روش های تربیتی است که روش های آموزشی شامل تدوین الگو و ارتقا یادگیرندگان؛ بعد آموزش شامل ابزار و محتوای آموزشی؛ روش تربیتی شامل انعطاف پذیری، رهبری و تربیت روانشناختی است.

در این راستا، سیفی گندمانی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی نشان دادند که آگاهی بخشی و آموزش مستمر می تواند به کاهش آسیب های روانی و اجتماعی کودکان کمک کند. کمالی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی نشان دادند که آموزش سواد رسانه ای به کودکان و والدین باعث افزایش توانایی در تحلیل و استفاده درست از رسانه ها شده و می تواند از آسیب های تربیتی ناشی از فناوری های نوین جلوگیری کند. عباسی و نوروزی (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند که آموزش سواد دیجیتال به کودکان و والدین نه تنها میتواند از آسیب های تربیتی ناشی از فناوری های نوین جلوگیری کند، بلکه به ارتقای توانایی های تحلیلی و انتقادی آنها نیز کمک میکند.

برای مقابله با آسیب های ناشی از فناوری های نوین، نیاز به رویکردی جامع و علمی است. روش های آموزشی باید شامل تدوین قوانین خاص برای استفاده از فناوری های دیجیتال و ارتقای یادگیری والدین، به ویژه مادران، به عنوان نقطه قوت و عامل تأثیرگذار، باشد. این اقدامات می توانند به مدیریت مؤثر استفاده از فناوری ها و کاهش آسیب های مرتبط کمک کنند.

در بعد آموزش، نظارت دقیق بر محتوای آموزشی ارائه شده در بستر فناوری و استفاده از ابزارهای آموزشی مناسب و معتبر بسیار مهم است. این نظارت باید بر اساس نیازهای سن و جنسیت فرزندان انجام شود و شامل استفاده از بازی های آموزشی بومی و ابزارهای آموزشی متناسب با وضعیت اقتصادی خانواده باشد. این اقدامات می توانند به بهبود کیفیت آموزش و جلوگیری از بروز آسیب های بیشتر کمک کنند.

در بعد روش تربیتی، توجه به مولفه های انعطاف پذیری، رهبری و تربیت روانشناختی ضروری است. مادران باید انتظارات واضحی از فرزندان خود بیان کنند، استقلال و تفویض اختیار را تشویق کنند، و با عدم سرزنش و ایجاد حس عشق بی قید و شرط، تمرکز بر نیازهای فرزندان را در اولویت قرار دهند. این روش ها می توانند به ایجاد پیوند عاطفی قوی و حس امنیت و آرامش در فرزندان کمک کنند و فرآیند تربیتی را بهبود بخشند.

برای مقابله با آسیب های ناشی از فناوری های نوین ارتباطی، سه بعد اصلی روش آموزشی، بعد آموزش و روش تربیتی مورد توجه قرار میگیرد. در بعد روش آموزشی، تدوین قوانین خاص برای استفاده از ابزارهای فناورانه و ارتقای یادگیری والدین از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در بعد آموزش، نظارت بر محتوای آموزشی و استفاده از ابزارهای آموزشی معتبر و مناسب باید مد نظر قرار گیرد تا کیفیت آموزشی حفظ شود. در بعد روش تربیتی، انعطاف پذیری، رهبری و تربیت روانشناختی باید به طور کامل در فرآیند تربیت فرزندان گنجانده شود تا از آسیب های فناوری های

نوبین کاسته شود. در نهایت، می توان گفت که فناوریهای نوین ارتباطی تأثیرات پیچیده ای بر فرآیند تربیت فرزندان دارند و نیازمند رویکردهای جامع و علمی برای مدیریت این آسیب ها هستند. ختم کلام اینکه یافته های این پژوهش با یافته های صابری و فیضی (۱۳۹۸)، رضوی و کیانی (۱۳۹۶)، رضایی و صادقی (۱۳۹۱)، کریمی و صوفی (۱۳۹۴) و محسنی و اسلامی (۱۳۹۵) همخوانی دارد.

یافته جانبی

الف - الگوی مفهومی پژوهش

در نهایت بر اساس عناصر شناسایی شده که بر اساس مستندات پژوهشی و مصاحبه با خبرگان حاصل شد، الگوی مفهومی پژوهش به صورت شکل ۵ ارائه میگردد.



شکل ۵-۱ الگوی نهایی پژوهش

آسیب ها و مولفه های متاثر از فناوری های نوین ارتباطی در فرآیند تربیتی فرزندان در ابعاد مختلف روانشناختی، اجتماعی و فردی به خوبی مشهود است. در بعد روانشناختی، مشکلات به سه حوزه اصلی، سلامت روانی، سلامت فردی و سلامت عاطفی تقسیم می شوند که در ادامه هر حوزه شرح داده می شود.

حوزه سلامت روانی: این حوزه شامل ارائه محتوای نامناسب با سن فرزندان، افزایش پرخاشگری ناشی از بازی های فناورانه و بروز مشکلات رفتاری از جمله آسیب های مهم به شمار می روند.

حوزه سلامت فردی: این حوزه نیز تحت تأثیر فناوری ها قرار دارد که شامل تقویت درون گرایی به جای تشویق به کار تیمی، عدم توجه به مشارکت محوری و افزایش غرور در فرزندان است.

حوزه سلامت عاطفی: این حوزه با مشکلاتی نظیر عدم توجه به مسئولیت پذیری، عزت نفس و نگرش به زندگی و شناخت حدود مرزها در تربیت فرزندان مواجه است.

این ابعاد نشان می دهند که فناوری های نوین ارتباطی می توانند تأثیرات قابل توجهی بر فرآیند تربیت فرزندان داشته باشند و نیاز به توجه ویژه در مدیریت این تأثیرات وجود دارد. در بعد اجتماعی، فناوری های نوین ارتباطی به طور قابل توجهی بر مولفه های مختلف تأثیر می گذارند. مولفه ارزش مداری شامل آسیب هایی است که به تضعیف ارزش های اجتماعی و فرهنگی منجر میشود؛ به ویژه از طریق انتقال ارزش هایی که با اصول پذیرفته شده جامعه در تضاد است، عدم توجه به مسائل مذهبی و عقیدتی در فرآیند تربیت، و کم رنگ کردن مفهوم ایمان در زندگی فرزندان.

این تغییرات می توانند به کاهش مبانی اخلاقی و دینی در نسل های آینده منجر شوند. مولفه هویت طلبی نیز تحت تأثیر قرار می گیرد، به طوری که اهمیت هویت نژادی و ملی در فرزندان کاهش می یابد و توجه به هویت اجتماعی در تربیت به حاشیه می رود، در حالی که تمرکز بیشتر بر هویت فردی است. این امر می تواند به ضعف در شناخت و تعلق هویتی در فرزندان بیانجامد.

همچنین، مولفه تعامل گرایی نشان دهنده کاهش کیفیت تعاملات خانوادگی است؛ با کاهش توجه به وقت گذران مشترک والدین و فرزندان، تعاملات ضعیف بین آنها، و کاهش همراهی خانوادگی در حل مسائل. این آسیب ها می توانند به تضعیف روابط خانوادگی و کاهش حمایت های عاطفی و اجتماعی منجر شوند. در مجموع، تأثیرات فناوری های نوین ارتباطی بر این ابعاد اجتماعی نیازمند توجه و مدیریت ویژه ای است تا از بروز آسیب های بیشتر جلوگیری شود. در بعد فردی، فناوری های نوین ارتباطی تأثیرات معناداری بر فرآیند تربیت فرزندان دارند که در سه مولفه حریم شخصی، مشکلات رفتاری و تفکر مشهود است. مولفه حریم شخصی شامل آسیب هایی نظیر ایجاد فضای آزادی مطلق برای فرزندان بدون نظارت والدین، کاهش امید به زندگی به دلیل احساس

بنيست در حریم خصوصی، و عادی سازی روابط شخصی به ویژه در سنین نوجوانی است. این مسائل می توانند به کاهش سلامت روانی و اجتماعی فرزندان منجر شوند. در زمینه مشکلات رفتاری، فناوری ها با ارتقای زورگویی، به ویژه در خانواده های تک فرزند، کاهش روحیه گذشت در بین فرزندان و کاهش توانایی آنها در تعدیل خواسته هایشان تأثیر می گذارند. این آسیب ها می توانند به بروز مشکلات جدی در روابط اجتماعی و رفتارهای ناهنجار منجر شوند. مولفه تفکر نیز تحت تأثیر قرار می گیرد؛ به طوری که ساده انگاری مسائل به دلیل تاثیر تبلیغات و بازی های فناورانه، عدم توجه به تفکر انتقادی به دلیل در دسترس بودن همه ابزارهای فناورانه، و کم رنگ شدن تفکر تعاملی در میان اعضای خانواده از جمله آسیب های این بعد هستند. این تغییرات می توانند به کاهش توانایی های تحلیلی و تفکری فرزندان و ضعف در تعاملات خانوادگی منجر شوند. در مجموع، این ابعاد فردی نشان دهنده نیاز به مدیریت دقیق و آگاهانه برای کاهش آسیب های ناشی از فناوری های نوین در فرآیند تربیت فرزندان هستند. عوامل موثر در ایجاد آسیب های نقش تربیتی مادران، در دوران متأثر از فناوری های نوین ارتباطی شامل سبک تربیتی، فناوری اطلاعات و بعد فرهنگی است که بعد سبک تربیتی شامل مولفه پاسخ دهی است که شامل تلاش مادران برای رشد ابراز وجود فرزندان، کوشش مادران برای ایجاد استقلال در فرزندان حمایت و اطمینان بخشی مادران به فرزندان و توجه به نیازهای فرزندان توسط مادران است. مولفه مهار رفتاری شامل شاخص های تلاش مادران برای یکپارچگی خانواده، تلاش مادران برای جذب فرزندان در محفل خانوادگی و تقاضاهای متناسب با توانایی فرزندان و نظارت بر توانایی فرزندان و وضع مقررات برای مهار رفتاری است. مولفه سبک اخلاقی شامل شاخص های کنترل فرزندان در سایه اخلاق گرایی، استفاده از سازوکارهای تربیت معنوی، استفاده از الگوی تربیت دینی در خانواده و توجه به سبک زندگی اسلامی است.

بعد فناوری اطلاعات شامل مولفه شبکه های اجتماعی است که شامل شاخص های چالشی بودن شبکه ها و های اجتماعی و تجهیز افراد به ذهنیت جدید در سایه تاثیر در فرایند جامعه پذیری، ناشناس بودن و سیالیت در شبکه سایر شبکه اجتماعی و محتوای تولید شده برای تمام گروه های سنی بدون محدودیت است. مولفه آموزش الکترونیکی شامل شاخص های ایجاد فضای آموزشی خصوصی که مادران دخالتی در جریان آن ندارند، آموزش تحول گرا مبتنی بر رویکرد تحولزایی در فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی که مادران مجاب به اجرای آن هستند و ابزارهای آموزشی تولید محتوا مبتنی بر نیاز است. مولفه اطلاعات محوری شامل شاخص های دسترسی آسان

به اطلاعات، سهولت ارتباط با افراد فارغ از زمان و مکان دیجیتالی شدن بسیاری از اطلاعات و کارهای مورد استفاده مادران و فرزندان دستیابی به اطلاعات رایگان و با حجم بالا توسط مادران است.

بعد عوامل فرهنگی شامل مولفه ناتوی فرهنگی با شاخص های انتشار فرهنگ ضدّ دین و ضدّ اخلاق در بین مادران به عنوان معماران اصلی تربیت تبدیل حسّ شریف مادرانه نسبت به تربیت نسل سالم در وجود زنان به حس لذّتجوییهای کاذب و فرار از مسئولیتهای مادرانه جایگزینی ارزشهای مدرن و غربی در تربیت مادران ایرانی است و هویت فرهنگی شامل شاخص های حس تعلق به خانواده و جامعه در تربیت مادران شناخت مادران نسبت به فرهنگ بومی توجه به ایجاد یکپارچگی و وحدت در مادران است. عوامل تقویت کننده آسیبهای نقش تربیتی مادران در دوران متأثر از فناوری های نوین ارتباطی به سه بعد اصلی تقسیم میشود: شناخت، فرآیند اجتماعی و فراشناخت.

در بعد شناخت، مولفه های دانش و مهارت به طور خاص مورد توجه قرار می گیرند. دانش شامل داشتن علم تربیتی متناسب با سن فرزندان، توجه به آموزش های تربیتی مادران و بروز رسانی دانش آنها است. نگرش نیز شامل نگرش معنوی، توجه به تربیت اخلاقمدار به دور از زرق و برق های فناورانه، و نگاه دینی به تربیت فرزندان می شود. مهارت شامل مهارت کلامی در انتقال مفاهیم و ایجاد ارتباط موثر با فرزند به دور از گرایشات فمینیستی است. در بعد فرآیند اجتماعی، آسیبهایی نظیر طلاق، افسردگی و اضطراب مادران، و عدم اعتماد نسبت به خانواده و جامعه به چشم می خورد. قوانین نیز با نقصهایی مانند قوانین ناکافی برای تقویت بنیان خانواده، عدم وجود قوانین لازم الاجرا برای آموزش مادر بودن، و مشکلات مرتبط با اشتغال و کارآفرینی مادران مواجه است.

در بعد فراشناخت، مولفه آگاهی شامل خودشناسی، خدانشناسی و اعتماد به نفس مادران است، در حالی که بهداشت روانی به سلامت روحی و روانی مادران، توانایی گفتگو در حل مسائل، انتخاب آگاهانه و خودتنظیمی عواطف اشاره دارد. این ابعاد نشان دهنده نیاز به توجه جامع به عوامل مختلف در تقویت آسیب های نقش تربیتی مادران در عصر فناوریهای نوین هستند. برای مقابله با آسیب های ناشی از فناوری های نوین ارتباطی در فرآیند تربیتی فرزندان، سه بعد اصلی مورد توجه قرار میگیرد: روش آموزشی، آموزش و روش تربیتی. در بعد روش آموزشی، تدوین قوانین شامل تنظیم مقررات خاص برای استفاده از ابزارهای فناورانه، تعیین نیازهای فرزندان در این زمینه و سازماندهی

زمان استفاده از این ابزارها است. ارتقای یادگیری نیز به یادگیرنده بودن والدین، بهویژه مادران، و انتقال این تواناییها به فرزندان، توسعه شناخت ابزارهای جدید فناورانه و قدرت انتقال مزایا و آسیب های این فناوری ها به فرزندان می پردازد. در بعد آموزش، مولفه محتوای آموزشی شامل نظارت بر محتوای ارائه شده در بستر فناوری، یافتن محتوای مناسب بر اساس نیازهای فرزندان، و نیازسنجی بر اساس سن و جنسیت فرزندان است. ابزار آموزشی شامل استفاده از بازی های آموزشی بومی، توجه به بازی ها بر اساس سن و جنسیت، ارائه ابزار مناسب با وضعیت اقتصادی خانواده و استفاده از ابزارهای آموزشی معتبر و تایید شده میشود. در بعد روش تربیتی، مولفه های انعطاف پذیری، رهبری و تربیت روانشناختی شامل بیان انتظارات از فرزندان، دادن استقلال و تفویض اختیار به آنها، عدم سرزنش و ایجاد حس عشق بی قید و شرط، تمرکز بر نیازهای فرزندان و حمایت همه جانبه، و ایجاد پیوند عاطفی و القای حس امنیت و آرامش در فرزندان هستند. این روش ها به طور کلی برای کاهش آسیب های فناوری های نوین و بهبود فرآیند تربیتی فرزندان طراحی شده اند.

ب - میزان اعتبار بیرونی و درونی چارچوب الگو پژوهش

برای بررسی میزان اعتبار بیرونی از پرسشنامه سنجش الگو برای تعیین درجه تناسب الگو به صورت طیف پنج درجه ای تنظیم و در اختیار ۲۵ نفر از متخصصان این حوزه قرار داده شد. در تطبیق، آماره تی محاسبه شده (9.42) در سطح 0.01 معنادار است. مقایسه میانگین این جزء از الگو (3.41) با میانگین مورد انتظار نشان می دهد که تطبیق الگو از نظر متخصصان دارای اعتبار است و با اطمینان 99 درصد مورد تأیید قرار گرفته است. در قابلیت فهم بودن الگو، آماره تی محاسبه شده (10.20) در سطح 0.01 معنادار است. مقایسه میانگین این جزء از الگو (3.71) با میانگین مورد انتظار نشان میدهد قابلیت فهم بودن الگو از نظر متخصصان دارای اعتبار است و با اطمینان 99 درصد مورد تأیید قرار گرفته است. در رابطه با سؤالات قابلیت فهم، آماره تی محاسبه شده برای هر دو سؤال در سطح 0.01 معنادار و میانگین مشاهده شده در هر یک از این دو سؤال از میانگین مورد انتظار (3) بالاتر است؛ لذا از نظر متخصصان جزء قابلیت فهم الگو محسوب میشود. در قابلیت تعمیم بودن الگو، آماره تی محاسبه شده (10.37) در سطح 0.01 معنادار است. مقایسه میانگین این جزء از الگو (3.78) با میانگین مورد انتظار نشان میدهد قابلیت تعمیم بودن الگو از نظر متخصصان دارای اعتبار است و با اطمینان 99 درصد مورد تأیید قرار گرفته است. در رابطه با سؤالات قابلیت تعمیم، آماره تی محاسبه شده برای هر دو سؤال در سطح 0.01 معنادار و میانگین مشاهده شده در هر یک از این دو سؤال از میانگین مورد انتظار (3) بالاتر است؛ لذا

از نظر متخصصان جزء قابلیت تعمیم الگو محسوب میشود. در کنترل الگو، آماره تی محاسبه شده (12.86 در سطح 0.01 معنادار است. مقایسه میانگین این جز از دهد قابل کنترل بودن الگو از نظر متخصصان دارای اعتبار است و با $-$ الگو (3.75) با میانگین مورد انتظار نشان می دهد اطمینان 99 درصد مورد تأیید قرار گرفته است. در رابطه با سوالات کنترل، آماره تی محاسبه شده برای هر دو سؤال در سطح 0.01 معنادار و میانگین مشاهده شده در هر یک از این دو سؤال از میانگین مورد انتظار (3) بالاتر است؛ لذا از نظر متخصصان جزء کنترل الگو محسوب میشود.

PLS- در مورد اعتبار درونی از تحلیل عاملی تاییدی) مدل اندازه گیری نیز برای سنجش اعتبار مدل با نرم افزار استفاده شد (Smart V3). در شکل زیر بارهای عاملی برای الگوی آسیب های نقش تربیتی مادران و روش های مواجهه با آن در دوران متأثر از فناوری های نوین ارتباطی آورده شده است. با توجه به بار عاملی مولفه ها و شاخص ها و همچنین ضریب معناداری تی هر یک از شاخص ها و مولفه ها با 99 درصد اطمینان همه شاخص های برای هر یک از مؤلفه ها و مولفه ها برای هر یک از ابعاد تأیید می شود و هیچ شاخص و مولفه ای نیاز به حذف شدن ندارد.

نتیجه گیری

با توجه به موضوع مطرح شده در مقاله، ممکن است آسیب هایی نظیر کاهش زمان اختصاصی برای تعامل مادران با فرزندان، افزایش استرس و اضطراب مادران به دلیل استفاده فراوان از فناوری های نوین، کاهش ارتباط عاطفی و اجتماعی بین والدین و کودکان، و افزایش وابستگی کودکان به دستگاه های الکترونیکی مورد بررسی قرار گرفته باشد. برای مواجهه با این آسیب ها، باید به روش هایی نظیر ارتقاء ارتباطات خانوادگی آفلاین، تعیین مرزهای مشخص برای استفاده از فناوری های نوین در خانواده، ارتقاء آگاهی والدین از اثرات منفی فناوری بر تربیت کودکان، و ارائه راهکارهایی برای تعادل میان استفاده از فناوری و تعاملات خانوادگی سالم، اشاره کرد. با توجه به تحلیل آسیب های نقش تربیتی مادران در دوران متأثر از فناوری های نوین ارتباطی و روش های مواجهه با آن ها، می توان نتیجه گیری کرد که تأثیرات این فناوری ها بر تربیت فرزندان بسیار پیچیده و چندبعدی است. فناوری های نوین ارتباطی به طور گستردهای بر جنبه های مختلف روانشناختی کودکان و نوجوانان تأثیر گذاشته اند. مشکلات سلامت روانی مانند افزایش پرخاشگری و بروز مشکلات رفتاری، سلامت فردی که شامل تقویت درونگرایی و کاهش تعاملات اجتماعی است، و سلامت عاطفی که به مشکلاتی نظیر کاهش مسئولیت پذیری و عزت نفس منجر میشود، از جمله

آسیب های عمده محسوب می شوند. این تأثیرات نشان می دهند که فناوری های دیجیتال، به ویژه بازی ها و محتوای نامناسب، می توانند به آسیب های عمیق روانشناختی در فرزندان بینجامند. فناوریهای نوین ارتباطی تأثیرات عمیقی بر ابعاد اجتماعی و فردی فرزندان دارند، از جمله تضعیف ارزش های فرهنگی و مذهبی و کاهش کیفیت تعاملات خانوادگی که میتواند به ضعف هویت اجتماعی و مذهبی نسل های آینده منجر شود. همچنین، این فناوری ها مشکلاتی نظیر حریم شخصی، افزایش رفتارهای ناهنجار و کاهش توانایی های تفکری را به همراه دارند که میتواند به کاهش سلامت روانی و اجتماعی فرزندان و بروز مشکلات جدی در روابط آنها منجر شود.

در نهایت، این مقاله به اهمیت برقراری تعادل مناسب بین استفاده از فناوری های نوین و ارتباطات خانوادگی سالم تأکید میکند تا به کاهش آسیبهای نقش تربیتی مادران در دوران متأثر از فناوری های نوین ارتباطی کمک شایانی شود.

پیشنهادهای کاربردی

- با توجه به یافته های حاصل از پژوهش می توان پیشنهادهای زیر را مطرح کرد.
- ارتقاء آگاهی و آموزش والدین در خصوص استفاده صحیح از فناوری های نوین است.
- ایجاد و تدوین قوانین و چارچوب های مشخص برای استفاده از فناوری های نوین در خانواده است.
- ارتقاء تعاملات خانوادگی و اجتماعی به جای تمرکز بر فعالیت های دیجیتال است.
- تقویت و توسعه مهارت های روانشناختی و عاطفی فرزندان به منظور مدیریت بهتر تأثیرات منفی فناوری است.

منابع

- جعفریان یسار، حمید. خدایاری، ناهید و حسن زاده، لیلا. (۱۳۹۵). «آسیب شناسی فضای مجازی و خانواده». نشریه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (مرکز توسعه آموزش های نوین ایران) ۲ (۴): ۲۴-۱۵.
- جوکار، محبوبه. (۱۳۹۱). «گذری کوتاه بر تأثیر مدرنیسم بر خانواده با تأکید بر خانواده ایرانی». سومین نشست اندیشه های راهبردی، انتشارات پیام عدالت، چاپ اول، جلد ۲، ۹۰۲-۸۷۹.
- خویی نژاد، غلامرضا. رجایی، علیرضا و محبراد، تکتیم. (۱۳۸۶). «رابطه سبکهای فرزندپروری ادراک شده با احساس تنهایی نوجوانان دختر». دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی ۹ (۳۴): ۷۵-۹۲.
- رحمتی، حسینعلی. (۱۳۹۲). «پیامدهای تربیتی و اخلاقی شکاف دیجیتالی بین نسلی (وظایف والدین و مبلغان)». پژوهشنامه تربیت تبلیغی ۱ (۲): ۱۵۵-۱۸۳.

- سرمد، زهره. بازرگان هرنیدی، عباس وحجازی، الهه. (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ دهم، تهران: انتشارات آگاه.
- سیفی گندمانی، محمدیاسین. کلاتنری میبدی، سارا و فتح، نجمه. (۱۳۸۸). «سنخ شناسی فرزندپروری خانواده (ترکیب سبک فرزندپروری پدر و مادر) و تاثیر آن بر اضطراب و افسردگی نوجوانان پسر: رویکردی نو به فرزندپروری». اصول بهداشت روانی ۱۱ (۳): ۱۸۵-۱۹۴.
- عباسی، مجید و نوروزی فیروز، رسول. (۱۳۹۷). «نقش رسانه‌ها در توسعه هنجارهای حقوق بشر در عصر جهانی شدن». علوم خبری ۲۷: ۴۹-۶۶.
- فتحی، سروش و مطلق، معصومه. (۱۳۹۰). «جهانی شدن و فاصله نسلی (مطالعه جامعه شناختی فاصله نسلی: با تاکید بر فن آوری اطلاعات و ارتباطات)». مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی ۲ (۵): ۱۴۲-۱۵۴.
- نادری پاریزی، فاطمه. (۱۳۹۹). شأن مادری و چالش‌های اخلاقی آن با رویکرد اسلامی. رساله دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.
- Ansari, J. A. N., & Khan, N. A. (2020). "Exploring the role of social media in collaborative learning the new domain of learning". Smart Learning Environments, 7(1), 1-16.
- Callender, C. (2018). "Student mothers in higher education". In: Burke, P J & Hayton, A & Stevenson, J, (eds.) Evaluating Equity and Widening Participation in Higher Education. Trentham Books: London, UK.
- Creswell, J. W., & Creswell, J. D. (2005). "Mixed methods research: Developments, debates, and dilemmas". Research in organizations: Foundations and methods of inquiry, 2, 315-326.
- Darling, N. Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. Psychological Bulletin, 113 (3): 487-496.
- Lin, C.H. & Wiley, A. R. (2017). "The relationship of relative child care and parenting behaviors in fragile families". Children and Youth Services Review, 82, 130- 138.

